

اعتقاد

سیاست نامه

info@etemadnewspaper.ir

کتابخانه

نگاهی به مجموعه هنر و تجربه زندگی

کمونیسم رفت، ما ماندیم و حتی خندیدیم

«کمونیسم رفت، ما ماندیم و حتی خندیدیم» مجموعه مقالاتی است از اسلاونکار اولیچ، روزنامه‌نگار و نویسنده کروات، این روایت‌های گیرا و خواندنی، حاصل تجربه‌های شخصی او و مشاهداتش از زندگی دوستان و آشنایش در دیگر کشورهای اروپای شرقی تحت حکومت‌های کمونیستی است. جذابیت اصلی کتاب در این است که در اولیچ ما هر،ه تحلیل‌هایی تامل برانگیز و انتقادی را با جزئیات زندگی روزمره درهم می‌آمیزد، شگفتی دختر بچه‌ای که برای نخستین بار یک عروسک

خارجی می‌بیند، نحوه شستن رخت‌ها در خانه، زندگی یک استاد دانشگاه در آپارنمانی تنگ و شلوغ بی‌هیچ خرم خصوصی، دیوارهای رنگ و رو رفته و... در اولیچ کمونیسم را چیزی فراتر از یک ایدئولوژی یا شکل حکومت می‌بیند از دید او کمونیسم یک وضعیت ذهنی است که به این راحتی‌ها از یادوداگاه جمعی کنسل نمی‌گردد این حکومت زندگی کرده‌اند زنده نمی‌شود. برای مردم دنیای کمونیسم شعار «هر شخصی، سیاسی است» به معنای واقعی کلمه صق می‌کرد. در اولیچ که خود در یوگسلاوی بزرگ شده می‌نویسد: «پنجاه همان اوایل جوانی می‌فهمید که سیاست مفهومی انتزاعی نیست، بلکه نیرویی است عظیم که بر زندگی روزمره مردم تأثیری تعیین کننده می‌گذارد. ما برای اینکه بتوانیم ادامه‌دهنده‌ایم باید قلمروهای ما را تقسیم می‌کردیم و مرزی بین زندگی خصوصی و حوزه عمومی می‌کشیدیم. حکومت می‌خواست همه چیز عمومی باشد. ما هر چیز عمومی متعلق به دشمن بود.» این روایت‌های گاه تراژیک و گاه طنزآمیز بهتر از تحلیل‌های تئوریک می‌تواند وضعیت سیاسی و ذهنیت افراد در حکومت‌های استبدادی را برای ما به تصویر بکشد.

گفتار در بندی گی خود خواسته

اتین دولا بونسی «گفتار در بندی گی خود خواسته» را مدانه قرن شانزدهم نوشت؛ زمانی که ۲۰ سال بیشتر نداشت و در دانشگاه شهر اورلئان حقوق می‌خواند. او را بیشتر به سبب دوستی اش با مونتنی می‌شناسند و مشهور است که مونتنی مقاله «در باب دوستی» را به یاد بونسی نوشته است. این کتاب بعدها به یکی از شاهکارهای زمان خود بدل شد و هنوز مرجع بسیاری از فیلسوفان است. او در این رساله ماهیت استبداد و چگونگی تشکیل، تثبیت و استمرار حکومت‌های استبدادی را بررسی می‌کند و با استناد به نمونه‌های تاریخی، علت دولت جباریت را نسل‌های پیاپی نشان می‌دهد. بونسی کلید درک استبداد را در اطاعت دواطلبانه توده مردم می‌داند و آن را باندگی خودخواسته می‌نامد و در سراسر رساله‌اش بر این واقعیت تأکید می‌کند که «حکومت استبدادی» چیزی نیست جز قدرتی که توده‌های مردم با رضایت خود به شخص حاکم تفویض کرده‌اند و «حیر» جز انقیاد توده‌ها یا بگاهد دیگری ندارد.

اعتقاد بدون تعصب

امروز روشن است که مدرنیته لزوماً منجر به زوال نمی‌شود؛ چیزی که مدرنیته به آن می‌انجامد «تکر» است. تکر موقعتی است که در آن گروه‌های مختلف در کنش متقابل با هم در جامعه زندگی می‌کنند اما این وضعیت خالصی را زتنش نیست. چطور می‌توانیم مسائل اخلاقی مانند سقط جنین، مجازات اعدام یا حقوق اقلیت‌ها را مدیریت کنیم؟ وقتی که گروه‌های مختلف جامعه درباره آنها نظر‌ها و مواضی کلاما متضاد را ندو هر کدام بر مواضع خودشان

پافشاری می‌کنند؟ بر گر و رابندر کتد کتاب «اعتقاد بدون تعصب» (که نام اصلی آن «در شنایش تردید» است) نشان می‌دهند که چطور تکر می‌تواند به نسیب‌گرایی یا بنیاد گرایی بینجامد که به نوعی دوروی یک سکانه د بنیاد گرایی یک اجماع عام را در باره و اهور اهداف مطلوب بر جامعه تحمیل می‌کنند. این آنکه جای این نظر ات متفاوت باقی بگذار و نسیب گرایی هم اساسا رسیدن به ارزش‌های اجتماعی مشترک را غیر ممکن می‌کند. نویسنده گان کتاب مدعی آن است که می‌توان موضعی میانه بین نسیی گرایی و بنیاد گرایی اتخاذ کرد؛ نه فقط در حوزه دین و اخلاق بلکه در حوزه سیاست. کتاب «اعتقاد بدون تعصب» را ی هر کسی که به موضوع تردید و مسائل سیاسی، فرهنگی و دینی ناشی از آن اندیشد کنایه مفید خواندنی است.

بختی و پیکر از آن می‌توانیم مجموعه

اینترنت با مغز ما چه می‌کند؛ نیکلاس کار، در این کتاب با تکیه بر دامنه وسیعی از مطالعات تاریخی و علمی تلاش می‌کند تا تأثیرات شناختی اینترنت بر ذهن انسان بکاود و پیامدهای فکری و فرهنگی آن را برای ما روشن تر کند. فلسفه ترس؛ ترس احساس قدرتمندی است. می‌تواند زندگی ما را نجات دهد اما می‌تواند آزادی‌ما ن (هم از ما بگیرد و آن عنصر حیاتی پیوندهنده جامعه یعنی «اعتماد» را از بین ببرد. ارس اوسنسن در کتاب «فلسفه ترس» می‌کوشد ابعاد مختلف این احساس نیرومند را بکاود و نشان دهد که ترس چیست، چرا و چگونه در هر گوشه از زندگی مدرن رخنه کرده است و مهم‌تر اینکه چه استفاده‌های سیاسی از آن می‌شود.

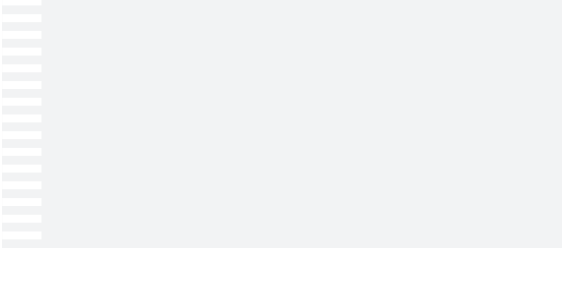
بخشودن؛ ایو گارلارد و دیوید ک ناتون، نویسندگان کتاب بخشودن، می‌گویند در این کتاب به دو پرسش محوری درباره بخشودن پرداخته‌اند: بخشودن اینکه بخشودن واقعا به چه معناست؟ یعنی وقتی کسی را که در حق مابدی کرده می‌بخشیم دقیقا چه می‌کنیم؟ و دوم اینکه بخشودن چه لایه‌ای دارد چه لایه‌ای می‌تواند ما را از بخشودن بازدارد؟ بیماری؛ در کتاب «بیماری» سسی شده این اتفاق از نگاه خود بیمار بررسی شود. کرل با بهره‌گیری از فلسفه باستان و مدرن در پی پاسخ به این پرسش هاست که چطور می‌شود در عین بیماری روح و جانی سالم داشت؟ «خوشبخت»؛ «بد» چطور می‌توان با سلاسه‌مرگ کنار آمد؟ پنیاتی علمی برای چی؟ عقالی؛ جهان چگونه آغاز شده است؟ اصلا چرا جهان وجود دارد؟ آیا قوانین بزرگ می‌توانست ملور دیگری باشد؟ که کسی این قوانین را برقرار کرده است؟ چرا ما در این جهان هستیم؟ پل دیویس، فیزیکدان برجسته، در کتاب «جنبانی علمی برای جهان عقالی» (یا نام اصلی «ذهن خدا») به کتدو کلو درباره این پرسشی می‌پردازد که آیا علم مدرن می‌تواند کلیدی برای فهمیدن این خریز را کانتکت باشد؟

دروغ؛ مسام هریس، در رساله «دروغ» می‌گوید ما می‌توانیم با یک راهکار ساده از بسیاری از مسائل و مشکلات پیچیده در زندگی مان و در جامعه اجتناب کنیم؛ در شرایطی که همه دروغ می‌گویند ما رشتش را بگیریم.

اراده آزاد؛ سام هریس در «اراده آزاد» این بحث را مطرح می‌کند که باور به توهم، بودن اراده آزاد به معنای تضعیف پایه‌های اخلاقی‌ها و از بین رفتن اهمیت آزادی‌های سیاسی یا اجتماعی ما نیست بلکه می‌تواند یاباید شیوه تفکر ما را در باره این مهم‌ترین مسائل زندگی مان تغییر دهد. علم؛ استیو فولر، فیلسوف و جامعه‌شناس، متخصص حوزه مطالعات علم و فناوری، در کتاب «علم» جسوره‌ها برخی از بنیادی‌ترین باورهای ما را در باره ماهیت و نقش علم به چالش می‌کشد و تکت قابل توجهی را در حوزه مباحث تکامل، صنع هوشمند، رفتارشناسی و آمواسیم، مفهوم پیشرفت علم و درک عموم از علم مطرح می‌کند. او در این کتاب به بررسی این پرسش‌ها می‌پردازد که زیست علمی به چه معنایی است؟ آیا علم می‌تواند حسی از کمال به زندگی ما ببخشد؟ آیا می‌تواند چیزی است انسان بودن و تفصیح دهد؟ کاروان امید؛ تری فاکس بعد از اینکه بر این موضوع در آتش زدنی ناشی از شرایطش فایق آمد، تصمیم گرفت گامی فراتر بردارد. او که دوران ستری شدنش از نزدیک شرایط دشوار بیماران سرطانی را دیده بود، عزم کرد بر این مبارزه با این بیماری کاری بکند و این گونه بود که مارا تون امید شکل گرفت. «کاروان امید» داستان مبارزه‌تری است با ناامیدی و یأس و نمایشی است شگفت‌انگیز از پیروزی اراده انسان.

هر گ: تاحمی (نویسنده کتاب) در این کتاب می‌خواهد ما مرگ با تمام قدرت آن رو بیاور شود. او با فرض اینکه مرگ پایان زندگی نیست می‌پرسد این مساله چه معنایی در زندگی ما دارد؟ چطور می‌توانیم همچون موجوداتی که خواهیم، دومی‌دایم که خواهیم، مرز زندگی کنیم؟ هن: من کیستم؟ چگونه شخصی منحصر به فرد می‌شوم؟ آگاهی چیست و ربطش با آنچه در مغز ما می‌گذرد چیست؟ اینها برخی پرسش‌های مهمی است که علم و فلسفه امروز می‌کوشد به آنها پاسخ دهد تا ازویه تازیه‌ای به زندگی ما بدهد. «هن» به این موضوع ازویه تازیه‌ای نگاه می‌کند.

«اعتراف» شرح تخرجه شخصی تاستونی در مواجهه با پرسش معنای زندگی است و مسیر ی که برای پاسخ دادن به آن طی می‌کند.



فرصت مطالعه داشته باشیم. همه این‌ها برای من خوشبخت است و ما هم دل‌مان به دایره‌المعارف مصاحب کار شده است. الان ۶۰ سال از آن تاریخ می‌گذرد و ما در این مدت نتوانستیم مشابه آن را تولید کنیم. علش چیست؟ به نظر من علش این است که همه چیز را از صفر شروع می‌کنیم. این کتاب وجود دارد چسرا آن را تکمیل نمی‌کنند یا نواقص آن را برطرف نمی‌کنند. این کتاب ذخیره ما است، مسا این ذخیره را، که محصول وطن خودمان هم هست، نادیده می‌گیریم. «فرهنگ سخن» در آمده است ولی چرانیاید نگاهی به «فرهنگ دهخدا» موقع تدوینش بیندازند؟ ایرادی که ندارد و ضرر هم که نمی‌کنیم. محصولی حاضر و آماده است و پولی هم بابت آن پرداخت نمی‌کنیم. نگاه نمی‌کنیم و بنابراین همین می‌شود که بعد از صد سال آنچه در آن کتاب درست بوده، در این یکی غلط می‌شود.

به نظر می‌رسد مجموعه‌ای که شما در حال کار روی آن هستید فعلا یابانی ن‌دard و ما با منابع خوبی در کشورهایی که شما از آنها استفاده کرده‌اید رویبر و هستیم و نشان می‌دهد که اینها در رابطه با این نوع از رویکرد به فلسفه کارهای زیادی را انجام داده‌اند.

آنها اصولا تولیدکننده هستند و خیلی هم تولید می‌کنند. در هر زمینه‌ای که شما رجوع کنید می‌بینید که آنها تولید زیادی دارند. اگر همان بخش انتزاعی را هم در نظر بگیریم متوجه می‌شوید که تولیدشان بسیار زیاد است. آنها تولیدکننده به تمام معنا هستند. در بخش صنعت هم تولیدشان زیاد است. چون در آنجا کار مهم است. کتاب «کار» –این مجموعه را اگر بخوانید متوجه می‌شوید که چقدر به ظرایف اشاره می‌کنند. ما بالاخره باید یاد بگیریم، آنجا تولید انبوه است. انتخاب خیلی‌ها هم نمی‌بینند و متوجه نمی‌شوند که رجه کردن کار سختی نیست. مشکل انتخاب است، یعنی باید کتابی را پیدا کنید که دقیقاً و به بهترین نحو جوابگوی همان ایده‌ای باشد که در ذهنتان دشته‌ای. جامعه هم پس نرزد، خصوصی و اختصاصی برای یک جامعه نوشته نشده باشد و اگر مثال‌ها از یک جامعه است قابلیت تعمیم دادن به همه آدم‌ها و فرهنگ‌ها را نداشته باشد. بنابراین انتخاب کردن خیلی سخت است و ناگزیر حداقل باید ۲۰۰۱۰ تا کتاب خواند تا بتوان یکی از آنها را انتخاب کرد. اینها کارهای بی‌مزد و منت است چون کسی به آدم بابت کتاب خواندن پول نمی‌دهد. در حالی که وقت عمده را خواندن و انتخاب کتاب مناسب می‌گیرد. کتاب را که انتخاب کردید نهایت ظرف مدت یکی دو ماه آن را ترجمه می‌کنید اما خواندن ۲۰ کتاب دست کم یکسال وقت می‌برد. وقتی می‌گوییم آدم باید در کتاب کارش مسوولیت داشته باشد یعنی همین. من که نمی‌توانم یک کتاب بخوانم و همان را هم ترجمه کنم، باید در حال ترجمه بمانم. بعد توایم به پیدا کردن آن منبع می‌رسد. باید فشارش دهید تا برای تان بیاورد و این کتاب‌ها هزینه زیادی هم دارند. مثلا باید ۱۰ تا کتاب بخوانید تا به دست کم یک کتاب سفارش بدهید که دست کم ۱۰۰ هزار تومان هزینه می‌برد. هفت، هشت میلیون تومان هزینه می‌برد. یک کتاب ماه زحمت بکشید و این‌ها را بخوانید و حق از همه ترجمه را هم پرداخت کنید تا در نهایت چیزی هم گیر خودتان بیاید. البته نمی‌خواهیم سهر کسسی منت بگیرام.

شما در حال حاضر ترجمه را در ایران نیست به داشتن تالیف راهکار بهتری می‌تانید؟

اکثر تالیف‌های ما (منهای رمان و داستان و شعر) به نوعی نوشته هستند. یعنی به نوعی ترجمه هستند اما از بیار ترجمه‌اش در می‌روند. اگر کسی واقعا تالیفی داشته باشد هیچ مانعی ندارد. اما تالیف هم شرایطی دارد. قدرش باید واقعا به مر حله خلاقه تفکر رسیده باشد. کتاب‌هایی که در مورد متفکران خارجی نوشته می‌شود واقعا مونتاژ است. مثلا کتابی که در مورد فیلسوفان سیاسی یا جامعه‌شناسان یا دیگران نوشته می‌شود واقعا مونتاژ است. ما که خودمان منتقانی ۱۰ تا کتاب می‌خوانیم و تحلیل نکرده‌ایم، در کتاب می‌توانم نشان بدهم که این‌ها مونتاژ کدام کتاب‌هاست. مگر می‌شود ما در ترجمه کتاب‌ها نظر بگری داشته باشیم؟ اصلا نمی‌شود و شبیه شوخی است. ما باید بر برخی واقعیت‌ها را بقبول کنیم. مونتاژ می‌کنیم، از این کتاب و آن کتاب بر می‌داریم و یک کتاب که نفهمیدیم حذف می‌کنیم. مترجم باید امتداد را باشد. اما وقتی که به این معنا تالیف می‌کنیم یعنی در واقع مونتاژ می‌کنیم. ما متاسفانه لغت‌ها و آشنایه به کار می‌بریم. اتفاقا این کار یعنی تالیف، مصنفا یا مولف تفاوت دارد. مولف یعنی کسی که از جاهای مختلف گردآوری می‌کند و سرهم می‌کند. یک نفر که نفهمیدیم حذف می‌کند و سرهم می‌کند. این کار یعنی تالیف. ما در واقع مونتاژ می‌کنیم. ما متاسفانه لغت‌ها و آشنایه به کار می‌بریم. اتفاقا این کار یعنی تالیف، مصنفا یا مولف تفاوت دارد. مولف یعنی کسی که از جاهای مختلف گردآوری می‌کند و سرهم می‌کند. یک نفر که نفهمیدیم حذف می‌کند و سرهم می‌کند. این کار یعنی تالیف. ما در واقع مونتاژ می‌کنیم. ما متاسفانه لغت‌ها و آشنایه به کار می‌بریم. اتفاقا این کار یعنی تالیف، مصنفا یا مولف تفاوت دارد. مولف یعنی کسی که از جاهای مختلف گردآوری می‌کند و سرهم می‌کند. یک نفر که نفهمیدیم حذف می‌کند و سرهم می‌کند. این کار یعنی تالیف. ما در واقع مونتاژ می‌کنیم. ما متاسفانه لغت‌ها و آشنایه به کار می‌بریم. اتفاقا این کار یعنی تالیف، مصنفا یا مولف تفاوت دارد. مولف یعنی کسی که از جاهای مختلف گردآوری می‌کند و سرهم می‌کند. یک نفر که نفهمیدیم حذف می‌کند و سرهم می‌کند. این کار یعنی تالیف. ما در واقع مونتاژ می‌کنیم. ما متاسفانه لغت‌ها و آشنایه به کار می‌بریم. اتفاقا این کار یعنی تالیف، مصنفا یا مولف تفاوت دارد. مولف یعنی کسی که از جاهای مختلف گردآوری می‌کند و سرهم می‌کند. یک نفر که نفهمیدیم حذف می‌کند و سرهم می‌کند. این کار یعنی تالیف. ما در واقع مونتاژ می‌کنیم. ما متاسفانه لغت‌ها و آشنایه به کار می‌بریم. اتفاقا این کار یعنی تالیف، مصنفا یا مولف تفاوت دارد. مولف یعنی کسی که از جاهای مختلف گردآوری می‌کند و سرهم می‌کند. یک نفر که نفهمیدیم حذف می‌کند و سرهم می‌کند. این کار یعنی تالیف. ما در واقع مونتاژ می‌کنیم. ما متاسفانه لغت‌ها و آشنایه به کار می‌بریم. اتفاقا این کار یعنی تالیف، مصنفا یا مولف تفاوت دارد. مولف یعنی کسی که از جاهای مختلف گردآوری می‌کند و سرهم می‌کند. یک نفر که نفهمیدیم حذف می‌کند و سرهم می‌کند. این کار یعنی تالیف. ما در واقع مونتاژ می‌کنیم. ما متاسفانه لغت‌ها و آشنایه به کار می‌بریم. اتفاقا این کار یعنی تالیف، مصنفا یا مولف تفاوت دارد. مولف یعنی کسی که از جاهای مختلف گردآوری می‌کند و سرهم می‌کند. یک نفر که نفهمیدیم حذف می‌کند و سرهم می‌کند. این کار یعنی تالیف. ما در واقع مونتاژ می‌کنیم. ما متاسفانه لغت‌ها و آشنایه به کار می‌بریم. اتفاقا این کار یعنی تالیف، مصنفا یا مولف تفاوت دارد. مولف یعنی کسی که از جاهای مختلف گردآوری می‌کند و سرهم می‌کند. یک نفر که نفهمیدیم حذف می‌کند و سرهم می‌کند. این کار یعنی تالیف. ما در واقع مونتاژ می‌کنیم. ما متاسفانه لغت‌ها و آشنایه به کار می‌بریم. اتفاقا این کار یعنی تالیف، مصنفا یا مولف تفاوت دارد. مولف یعنی کسی که از جاهای مختلف گردآوری می‌کند و سرهم می‌کند. یک نفر که نفهمیدیم حذف می‌کند و سرهم می‌کند. این کار یعنی تالیف. ما در واقع مونتاژ می‌کنیم. ما متاسفانه لغت‌ها و آشنایه به کار می‌بریم. اتفاقا این کار یعنی تالیف، مصنفا یا مولف تفاوت دارد. مولف یعنی کسی که از جاهای مختلف گردآوری می‌کند و سرهم می‌کند. یک نفر که نفهمیدیم حذف می‌کند و سرهم می‌کند. این کار یعنی تالیف. ما در واقع مونتاژ می‌کنیم. ما متاسفانه لغت‌ها و آشنایه به کار می‌بریم. اتفاقا این کار یعنی تالیف، مصنفا یا مولف تفاوت دارد. مولف یعنی کسی که از جاهای مختلف گردآوری می‌کند و سرهم می‌کند. یک نفر که نفهمیدیم حذف می‌کند و سرهم می‌کند. این کار یعنی تالیف. ما در واقع مونتاژ می‌کنیم. ما متاسفانه لغت‌ها و آشنایه به کار می‌بریم. اتفاقا این کار یعنی تالیف، مصنفا یا مولف تفاوت دارد. مولف یعنی کسی که از جاهای مختلف گردآوری می‌کند و سرهم می‌کند. یک نفر که نفهمیدیم حذف می‌کند و سرهم می‌کند. این کار یعنی تالیف. ما در واقع مونتاژ می‌کنیم. ما متاسفانه لغت‌ها و آشنایه به کار می‌بریم. اتفاقا این کار یعنی تالیف، مصنفا یا مولف تفاوت دارد. مولف یعنی کسی که از جاهای مختلف گردآوری می‌کند و سرهم می‌کند. یک نفر که نفهمیدیم حذف می‌کند و سرهم می‌کند. این کار یعنی تالیف. ما در واقع مونتاژ می‌کنیم. ما متاسفانه لغت‌ها و آشنایه به کار می‌بریم. اتفاقا این کار یعنی تالیف، مصنفا یا مولف تفاوت دارد. مولف یعنی کسی که از جاهای مختلف گردآوری می‌کند و سرهم می‌کند. یک نفر که نفهمیدیم حذف می‌کند و سرهم می‌کند. این کار یعنی تالیف. ما در واقع مونتاژ می‌کنیم. ما متاسفانه لغت‌ها و آشنایه به کار می‌بریم. اتفاقا این کار یعنی تالیف، مصنفا یا مولف تفاوت دارد. مولف یعنی کسی که از جاهای مختلف گردآوری می‌کند و سرهم می‌کند. یک نفر که نفهمیدیم حذف می‌کند و سرهم می‌کند. این کار یعنی تالیف. ما در واقع مونتاژ می‌کنیم. ما متاسفانه لغت‌ها و آشنایه به کار می‌بریم. اتفاقا این کار یعنی تالیف، مصنفا یا مولف تفاوت دارد. مولف یعنی کسی که از جاهای مختلف گردآوری می‌کند و سرهم می‌کند. یک نفر که نفهمیدیم حذف می‌کند و سرهم می‌کند. این کار یعنی تالیف. ما در واقع مونتاژ می‌کنیم. ما متاسفانه لغت‌ها و آشنایه به کار می‌بریم. اتفاقا این کار یعنی تالیف، مصنفا یا مولف تفاوت دارد. مولف یعنی کسی که از جاهای مختلف گردآوری می‌کند و سرهم می‌کند. یک نفر که نفهمیدیم حذف می‌کند و سرهم می‌کند. این کار یعنی تالیف. ما در واقع مونتاژ می‌کنیم. ما متاسفانه لغت‌ها و آشنایه به کار می‌بریم. اتفاقا این کار یعنی تالیف، مصنفا یا مولف تفاوت دارد. مولف یعنی کسی که از جاهای مختلف گردآوری می‌کند و سرهم می‌کند. یک نفر که نفهمیدیم حذف می‌کند و سرهم می‌کند. این کار یعنی تالیف. ما در واقع مونتاژ می‌کنیم. ما متاسفانه لغت‌ها و آشنایه به کار می‌بریم. اتفاقا این کار یعنی تالیف، مصنفا یا مولف تفاوت دارد. مولف یعنی کسی که از جاهای مختلف گردآوری می‌کند و سرهم می‌کند. یک نفر که نفهمیدیم حذف می‌کند و سرهم می‌کند. این کار یعنی تالیف. ما در واقع مونتاژ می‌کنیم. ما متاسفانه لغت‌ها و آشنایه به کار می‌بریم. اتفاقا این کار یعنی تالیف، مصنفا یا مولف تفاوت دارد. مولف یعنی کسی که از جاهای مختلف گردآوری می‌کند و سرهم می‌کند. یک نفر که نفهمیدیم حذف می‌کند و سرهم می‌کند. این کار یعنی تالیف. ما در واقع مونتاژ می‌کنیم. ما متاسفانه لغت‌ها و آشنایه به کار می‌بریم. اتفاقا این کار یعنی تالیف، مصنفا یا مولف تفاوت دارد. مولف یعنی کسی که از جاهای مختلف گردآوری می‌کند و سرهم می‌کند. یک نفر که نفهمیدیم حذف می‌کند و سرهم می‌کند. این کار یعنی تالیف. ما در واقع مونتاژ می‌کنیم. ما متاسفانه لغت‌ها و آشنایه به کار می‌بریم. اتفاقا این کار یعنی تالیف، مصنفا یا مولف تفاوت دارد. مولف یعنی کسی که از جاهای مختلف گردآوری می‌کند و سرهم می‌کند. یک نفر که نفهمیدیم حذف می‌کند و سرهم می‌کند. این کار یعنی تالیف. ما در واقع مونتاژ می‌کنیم. ما متاسفانه لغت‌ها و آشنایه به کار می‌بریم. اتفاقا این کار یعنی تالیف، مصنفا یا مولف تفاوت دارد. مولف یعنی کسی که از جاهای مختلف گردآوری می‌کند و سرهم می‌کند. یک نفر که نفهمیدیم حذف می‌کند و سرهم می‌کند. این کار یعنی تالیف. ما در واقع مونتاژ می‌کنیم. ما متاسفانه لغت‌ها و آشنایه به کار می‌بریم. اتفاقا این کار یعنی تالیف، مصنفا یا مولف تفاوت دارد. مولف یعنی کسی که از جاهای مختلف گردآوری می‌کند و سرهم می‌کند. یک نفر که نفهمیدیم حذف می‌کند و سرهم می‌کند. این کار یعنی تالیف. ما در واقع مونتاژ می‌کنیم. ما متاسفانه لغت‌ها و آشنایه به کار می‌بریم. اتفاقا این کار یعنی تالیف، مصنفا یا مولف تفاوت دارد. مولف یعنی کسی که از جاهای مختلف گردآوری می‌کند و سرهم می‌کند. یک نفر که نفهمیدیم حذف می‌کند و سرهم می‌کند. این کار یعنی تالیف. ما در واقع مونتاژ می‌کنیم. ما متاسفانه لغت‌ها و آشنایه به کار می‌بریم. اتفاقا این کار یعنی تالیف، مصنفا یا مولف تفاوت دارد. مولف یعنی کسی که از جاهای مختلف گردآوری می‌کند و سرهم می‌کند. یک نفر که نفهمیدیم حذف می‌کند و سرهم می‌کند. این کار یعنی تالیف. ما در واقع مونتاژ می‌کنیم. ما متاسفانه لغت‌ها و آشنایه به کار می‌بریم. اتفاقا این کار یعنی تالیف، مصنفا یا مولف تفاوت دارد. مولف یعنی کسی که از جاهای مختلف گردآوری می‌کند و سرهم می‌کند. یک نفر که نفهمیدیم حذف می‌کند و سرهم می‌کند. این کار یعنی تالیف. ما در واقع مونتاژ می‌کنیم. ما متاسفانه لغت‌ها و آشنایه به کار می‌بریم. اتفاقا این کار یعنی تالیف، مصنفا یا مولف تفاوت دارد. مولف یعنی کسی که از جاهای مختلف گردآوری می‌کند و سرهم می‌کند. یک نفر که نفهمیدیم حذف می‌کند و سرهم می‌کند. این کار یعنی تالیف. ما در واقع مونتاژ می‌کنیم. ما متاسفانه لغت‌ها و آشنایه به کار می‌بریم. اتفاقا این کار یعنی تالیف، مصنفا یا مولف تفاوت دارد. مولف یعنی کسی که از جاهای مختلف گردآوری می‌کند و سرهم می‌کند. یک نفر که نفهمیدیم حذف می‌کند و سرهم می‌کند. این کار یعنی تالیف. ما در واقع مونتاژ می‌کنیم. ما متاسفانه لغت‌ها و آشنایه به کار می‌بریم. اتفاقا این کار یعنی تالیف، مصنفا یا مولف تفاوت دارد. مولف یعنی کسی که از جاهای مختلف گردآوری می‌کند و سرهم می‌کند. یک نفر که نفهمیدیم حذف می‌کند و سرهم می‌کند. این کار یعنی تالیف. ما در واقع مونتاژ می‌کنیم. ما متاسفانه لغت‌ها و آشنایه به کار می‌بریم. اتفاقا این کار یعنی تالیف، مصنفا یا مولف تفاوت دارد. مولف یعنی کسی که از جاهای مختلف گردآوری می‌کند و سرهم می‌کند. یک نفر که نفهمیدیم حذف می‌کند و سرهم می‌کند. این کار یعنی تالیف. ما در واقع مونتاژ می‌کنیم. ما متاسفانه لغت‌ها و آشنایه به کار می‌بریم. اتفاقا این کار یعنی تالیف، مصنفا یا مولف تفاوت دارد. مولف یعنی کسی که از جاهای مختلف گردآوری می‌کند و سرهم می‌کند. یک نفر که نفهمیدیم حذف می‌کند و سرهم می‌کند. این کار یعنی تالیف. ما در واقع مونتاژ می‌کنیم. ما متاسفانه لغت‌ها و آشنایه به کار می‌بریم. اتفاقا این کار یعنی تالیف، مصنفا یا مولف تفاوت دارد. مولف یعنی کسی که از جاهای مختلف گردآوری می‌کند و سرهم می‌کند. یک نفر که نفهمیدیم حذف می‌کند و سرهم می‌کند. این کار یعنی تالیف. ما در واقع مونتاژ می‌کنیم. ما متاسفانه لغت‌ها و آشنایه به کار می‌بریم. اتفاقا این کار یعنی تالیف، مصنفا یا مولف تفاوت دارد. مولف یعنی کسی که از جاهای مختلف گردآوری می‌کند و سرهم می‌کند. یک نفر که نفهمیدیم حذف می‌کند و سرهم می‌کند. این کار یعنی تالیف. ما در واقع مونتاژ می‌کنیم. ما متاسفانه لغت‌ها و آشنایه به کار می‌بریم. اتفاقا این کار یعنی تالیف، مصنفا یا مولف تفاوت دارد. مولف یعنی کسی که از جاهای مختلف گردآوری می‌کند و سرهم می‌کند. یک نفر که نفهمیدیم حذف می‌کند و سرهم می‌کند. این کار یعنی تالیف. ما در واقع مونتاژ می‌کنیم. ما متاسفانه لغت‌ها و آشنایه به کار می‌بریم. اتفاقا این کار یعنی تالیف، مصنفا یا مولف تفاوت دارد. مولف یعنی کسی که از جاهای مختلف گردآوری می‌کند و سرهم می‌کند. یک نفر که نفهمیدیم حذف می‌کند و سرهم می‌کند. این کار یعنی تالیف. ما در واقع مونتاژ می‌کنیم. ما متاسفانه لغت‌ها و آشنایه به کار می‌بریم. اتفاقا این کار یعنی تالیف، مصنفا یا مولف تفاوت دارد. مولف یعنی کسی که از جاهای مختلف گردآوری می‌کند و سرهم می‌کند. یک نفر که نفهمیدیم حذف می‌کند و سرهم می‌کند. این کار یعنی تالیف. ما در واقع مونتاژ می‌کنیم. ما متاسفانه لغت‌ها و آشنایه به کار می‌بریم. اتفاقا این کار یعنی تالیف، مصنفا یا مولف تفاوت دارد. مولف یعنی کسی که از جاهای مختلف گردآوری می‌کند و سرهم می‌کند. یک نفر که نفهمیدیم حذف می‌کند و سرهم می‌کند. این کار یعنی تالیف. ما در واقع مونتاژ می‌کنیم. ما متاسفانه لغت‌ها و آشنایه به کار می‌بریم. اتفاقا این کار یعنی تالیف، مصنفا یا مولف تفاوت دارد. مولف یعنی کسی که از جاهای مختلف گردآوری می‌کند و سرهم می‌کند. یک نفر که نفهمیدیم حذف می‌کند و سرهم می‌کند. این کار یعنی تالیف. ما در واقع مونتاژ می‌کنیم. ما متاسفانه لغت‌ها و آشنایه به کار می‌بریم. اتفاقا این کار یعنی تالیف، مصنفا یا مولف تفاوت دارد. مولف یعنی کسی که از جاهای مختلف گردآوری می‌کند و سرهم می‌کند. یک نفر که نفهمیدیم حذف می‌کند و سرهم می‌کند. این کار یعنی تالیف. ما در واقع مونتاژ می‌کنیم. ما متاسفانه لغت‌ها و آشنایه به کار می‌بریم. اتفاقا این کار یعنی تالیف، مصنفا یا مولف تفاوت دارد. مولف یعنی کسی که از جاهای مختلف گردآوری می‌کند و سرهم می‌کند. یک نفر که نفهمیدیم حذف می‌کند و سرهم می‌کند. این کار یعنی تالیف. ما در واقع مونتاژ می‌کنیم. ما متاسفانه لغت‌ها و آشنایه به کار می‌بریم. اتفاقا این کار یعنی تالیف، مصنفا یا مولف تفاوت دارد. مولف یعنی کسی که از جاهای مختلف گردآوری می‌کند و سرهم می‌کند. یک نفر که نفهمیدیم حذف می‌کند و سرهم می‌کند. این کار یعنی تالیف. ما در واقع مونتاژ می‌کنیم. ما متاسفانه لغت‌ها و آشنایه به کار می‌بریم. اتفاقا این کار یعنی تالیف، مصنفا یا مولف تفاوت دارد. مولف یعنی کسی که از جاهای مختلف گردآوری می‌کند و سرهم می‌کند. یک نفر که نفهمیدیم حذف می‌کند و سرهم می‌کند. این کار یعنی تالیف. ما در واقع مونتاژ می‌کنیم. ما متاسفانه لغت‌ها و آشنایه به کار می‌بریم. اتفاقا این کار یعنی تالیف، مصنفا یا مولف تفاوت دارد. مولف یعنی کسی که از جاهای مختلف گردآوری می‌کند و سرهم می‌کند. یک نفر که نفهمیدیم حذف می‌کند و سرهم می‌کند. این کار یعنی تالیف. ما در واقع مونتاژ می‌کنیم. ما متاسفانه لغت‌ها و آشنایه به کار می‌بریم. اتفاقا این کار یعنی تالیف، مصنفا یا مولف تفاوت دارد. مولف یعنی کسی که از جاهای مختلف گردآوری می‌کند و سرهم می‌کند. یک نفر که نفهمیدیم حذف می‌کند و سرهم می‌کند. این کار یعنی تالیف. ما در واقع مونتاژ می‌کنیم. ما متاسفانه لغت‌ها و آشنایه به کار می‌بریم. اتفاقا این کار یعنی تالیف، مصنفا یا مولف تفاوت دارد. مولف یعنی کسی که از جاهای مختلف گردآوری می‌کند و سرهم می‌کند. یک نفر که نفهمیدیم حذف می‌کند و سرهم می‌کند. این کار یعنی تالیف. ما در واقع مونتاژ می‌کنیم. ما متاسفانه لغت‌ها و آشنایه به کار می‌بریم. اتفاقا این کار یعنی تالیف، مصنفا یا مولف تفاوت دارد. مولف یعنی کسی که از جاهای مختلف گردآوری می‌کند و سرهم می‌کند. یک نفر که نفهمیدیم حذف می‌کند و سرهم می‌کند. این کار یعنی تالیف. ما در واقع مونتاژ می‌کنیم. ما متاسفانه لغت‌ها و آشنایه به کار می‌بریم. اتفاقا این کار یعنی تالیف، مصنفا یا مولف تفاوت دارد. مولف یعنی کسی که از جاهای مختلف گردآوری می‌کند و سرهم می‌کند. یک نفر که نفهمیدیم حذف می‌کند و سرهم می‌کند. این کار یعنی تالیف. ما در واقع مونتاژ می‌کنیم. ما متاسفانه لغت‌ها و آشنایه به کار می‌بریم. اتفاقا این کار یعنی تالیف، مصنفا یا مولف تفاوت دارد. مولف یعنی کسی که از جاهای مختلف گردآوری می‌کند و سرهم می‌کند. یک نفر که نفهمیدیم حذف می‌کند و سرهم می‌کند. این کار یعنی تالیف. ما در واقع مونتاژ می‌کنیم. ما متاسفانه لغت‌ها و آشنایه به کار می‌بریم. اتفاقا این کار یعنی تالیف، مصنفا یا مولف تفاوت دارد. مولف یعنی کسی که از جاهای مختلف گردآوری می‌کند و سرهم می‌کند. یک نفر که نفهمیدیم حذف می‌کند و سرهم می‌کند. این کار یعنی تالیف. ما در واقع مونتاژ می‌کنیم. ما متاسفانه لغت‌ها و آشنایه به کار می‌بریم. اتفاقا این کار یعنی تالیف، مصنفا یا مولف تفاوت دارد. مولف یعنی کسی که از جاهای مختلف گردآوری می‌کند و سرهم می‌کند. یک نفر که نفهمیدیم حذف می‌کند و سرهم می‌کند. این کار یعنی تالیف. ما در واقع مونتاژ می‌کنیم. ما متاسفانه لغت‌ها و آشنایه به کار می‌بریم. اتفاقا این کار یعنی تالیف، مصنفا یا مولف تفاوت دارد. مولف یعنی کسی که از جاهای مختلف گردآوری می‌کند و سرهم می‌کند. یک نفر که نفهمیدیم حذف می‌کند و سرهم می‌کند. این کار یعنی تالیف. ما در واقع مونتاژ می‌کنیم. ما متاسفانه لغت‌ها و آشنایه به کار می‌بریم. اتفاقا این کار یعنی تالیف، مصنفا یا مولف تفاوت دارد. مولف یعنی کسی که از جاهای مختلف گردآوری می‌کند و سرهم می‌کند. یک نفر که نفهمیدیم حذف می‌کند و سرهم می‌کند. این کار یعنی تالیف. ما در واقع مونتاژ می‌کنیم. ما متاسفانه لغت‌ها و آشنایه به کار می‌بریم. اتفاقا این کار یعنی تالیف، مصنفا یا مولف تفاوت دارد. مولف یعنی کسی که از جاهای مختلف گردآوری می‌کند و سرهم می‌کند. یک نفر که نفهمیدیم حذف می‌کند و سرهم می‌کند. این کار یعنی تالیف. ما در واقع مونتاژ می‌کنیم. ما متاسفانه لغت‌ها و آشنایه به کار می‌بریم. اتفاقا این کار یعنی تالیف، مصنفا یا مولف تفاوت دارد. مولف یعنی کسی که از جاهای مختلف گردآوری می‌کند و سرهم می‌کند. یک نفر که نفهمیدیم حذف می‌کند و سرهم می‌کند. این کار یعنی تالیف. ما در واقع مونتاژ می‌کنیم. ما متاسفانه لغت‌ها و آشنایه به کار می‌بریم. اتفاقا این کار یعنی تالیف، مصنفا یا مولف تفاوت دارد. مولف یعنی کسی که از جاهای مختلف گردآوری می‌کند و سرهم می‌کند. یک نفر که نفهمیدیم حذف می‌کند و سرهم می‌کند. این کار یعنی تالیف. ما در واقع مونتاژ می‌کنیم. ما متاسفانه لغت‌ها و آشنایه به کار می‌بریم. اتفاقا این کار یعنی تالیف، مصنفا یا مولف تفاوت دارد. مولف یعنی کسی که از جاهای مختلف گردآوری می‌کند و سرهم می‌کند. یک نفر که نفهمیدیم حذف می‌کند و سرهم می‌کند. این کار یعنی تالیف. ما در واقع مونتاژ می‌کنیم. ما متاسفانه لغت‌ها و آشنایه به کار می‌بریم. اتفاقا این کار یعنی تالیف، مصنفا یا مولف تفاوت دارد. مولف یعنی کسی که از جاهای مختلف گردآوری می‌کند و سرهم می‌کند. یک نفر که نفهمیدیم حذف می‌کند و سرهم می‌کند. این کار یعنی تالیف. ما در واقع مونتاژ می‌کنیم. ما متاسفانه لغت‌ها و آشنایه به کار می‌بریم. اتفاقا این کار یعنی تالیف، مصنفا یا مولف تفاوت دارد. مولف یعنی کسی که از جاهای مختلف گردآوری می‌کند و سرهم می‌کند. یک نفر که نفهمیدیم حذف می‌کند و سرهم می‌کند. این کار یعنی تالیف. ما در واقع مونتاژ می‌کنیم. ما متاسفانه لغت‌ها و آشنایه به کار می‌بریم. اتفاقا این کار یعنی تالیف، مصنفا یا مولف تفاوت دارد. مولف یعنی کسی که از جاهای مختلف گردآوری می‌کند و سرهم می‌کند. یک نفر که نفهمیدیم حذف می‌کند و سرهم می‌کند. این کار یعنی تالیف. ما در واقع مونتاژ می‌کنیم. ما متاسفانه لغت‌ها و آشنایه به کار می‌بریم. اتفاقا این کار یعنی تالیف، مصنفا یا مولف تفاوت دارد. مولف یعنی کسی که از جاهای مختلف گردآوری می‌کند و سرهم می‌کند. یک نفر که نفهمیدیم حذف می‌کند و سرهم می‌کند. این کار یعنی تالیف. ما در واقع مونتاژ می‌کنیم. ما متاسفانه لغت‌ها و آشنایه به کار می‌بریم. اتفاقا این کار یعنی تالیف، مصنفا یا مولف تفاوت دارد. مولف یعنی کسی که از جاهای مختلف گردآوری می‌کند و سرهم می‌کند. یک نفر که نفهمیدیم حذف می‌کند و سرهم می‌کند. این کار یعنی تالیف. ما در واقع مونتاژ می‌کنیم. ما متاسفانه لغت‌ها و آشنایه به کار می‌بریم. اتفاقا این کار یعنی تالیف، مصنفا یا مولف تفاوت دارد. مولف یعنی کسی که از جاهای مختلف گردآوری می‌کند و سرهم می‌کند. یک نفر که نفهمیدیم حذف می‌کند و سرهم می‌کند. این کار یعنی تالیف. ما در واقع مونتاژ می‌کنیم. ما متاسفانه لغت‌ها و آشنایه به کار می‌بریم. اتفاقا این کار یعنی تالیف، مصنفا یا مولف تفاوت دارد. مولف یعنی کسی که از جاهای مختلف گردآوری می‌کند و سرهم می‌کند. یک نفر که نفهمیدیم حذف می‌کند و سرهم می‌کند. این کار یعنی تالیف. ما در واقع مونتاژ می‌کنیم. ما متاسفانه لغت‌ها و آشنایه به کار می‌بریم. اتفاقا این کار یعنی تالیف، مصنفا یا مولف تفاوت دارد. مولف یعنی کسی که از جاهای مختلف گردآوری می‌کند و سرهم می‌کند. یک نفر که نفهمیدیم حذف می‌کند و سرهم می‌کند. این کار یعنی تالیف. ما در واقع مونتاژ می‌کنیم. ما متاسفانه لغت‌ها و آشنایه به کار می‌بریم. اتفاقا این کار یعنی تالیف، مصنفا یا مولف تفاوت دارد. مولف یعنی کسی که از جاهای مختلف گردآوری می‌کند و سرهم می‌کند. یک نفر که نفهمیدیم حذف می‌کند و سرهم می‌کند. این کار یعنی تالیف. ما در واقع مونتاژ می‌کنیم. ما متاسفانه لغت‌ها و آشنایه به کار می‌بریم. اتفاقا این کار یعنی تالیف، مصنفا یا مولف تفاوت دارد. مولف یعنی کسی که از جاهای مختلف گردآوری می‌کند و سرهم می‌کند. یک نفر که نفهمیدیم حذف می‌کند و سرهم می‌کند. این کار یعنی تالیف. ما در واقع مونتاژ می‌کنیم. ما متاسفانه لغت‌ها و آشنایه به کار می‌بریم. اتفاقا این کار یعنی تالیف، مصنفا یا مولف تفاوت دارد. مولف یعنی کسی که از جاهای مختلف گردآوری می‌کند و سرهم می‌کند. یک نفر که نفهمیدیم حذف می‌کند و سرهم می‌کند. این کار یعنی تالیف. ما در واقع مونتاژ می‌کنیم. ما متاسفانه لغت‌ها و آشنایه به کار می‌بریم. اتفاقا این کار یعنی تالیف، مصنفا یا مولف تفاوت دارد. مولف یعنی کسی که از جاهای مختلف گردآوری می‌کند و سرهم می‌کند. یک نفر که نفهمیدیم حذف می‌کند و سرهم می‌کند. این کار یعنی تالیف. ما در واقع مونتاژ می‌کنیم. ما متاسفانه لغت‌ها و آشنایه به کار می‌بریم. اتفاقا این کار یعنی تالیف، مصنفا یا مولف تفاوت دارد. مولف یعنی کسی که از جاهای مختلف گردآوری می‌کند و سرهم می‌کند. یک نفر که نفهمیدیم حذف می‌کند و سرهم می‌کند. این کار یعنی تالیف. ما در واقع مونتاژ می‌کنیم. ما متاسفانه لغت‌ها و آشنایه به کار می‌بریم. اتفاقا این کار یعنی تالیف، مصنفا یا مولف تفاوت دارد. مولف یعنی کسی که از جاهای مختلف گردآوری می‌کند و سرهم می‌کند. یک نفر که نفهمیدیم حذف می‌کند و سرهم می‌کند. این کار یعنی تالیف. ما در واقع مونتاژ می‌کنیم. ما متاسفانه لغت‌ها و آشنایه به کار می‌بریم. اتفاقا این کار یعنی تالیف، مصنفا یا مولف تفاوت دارد. مولف یعنی کسی که از جاهای مختلف گردآوری می‌کند و سرهم می‌کند. یک نفر که نفهمیدیم حذف می‌کند و سرهم می‌کند. این کار یعنی تالیف. ما در واقع مونتاژ می‌کنیم. ما متاسفانه لغت‌ها و آشنایه به کار می‌بریم. اتفاقا این کار یعنی تالیف، مصنفا یا مولف تفاوت دارد. مولف یعنی کسی که از جاهای مختلف گردآوری می‌کند و سرهم